

نظریه‌های لزوم رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی در پرتو مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی یمن

چکیده

حضور گروه‌های مسلح غیر دولتی در مخاصمات مسلحانه‌ی غیربین‌المللی مبدل به مسئله‌ی تهدید کننده‌ی صلح و امنیت بین‌المللی در چند دهه‌ی اخیر شده است. در این راستا اگرچه به طور گسترده پذیرفته شده است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه گروه‌های مسلح غیر دولتی را ملزم می‌کند، اما مبنای حقوقی چنین اثر الزام‌آوری نا مشخص است. از این رو، بررسی چالش التزام موجودیت‌های مذکور به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به عنوان یک شاخه از حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه و ضرورت آن از رهگذر تدقیق در دیدگاه‌های نظری مطروحه در این زمینه از اهمیت وافری برخوردار است؛ چرا که اثر التزام به مقررات این شاخه از حقوق بین‌الملل به عنوان قواعد اولیه، به نوبه‌ی خود در تضمین متابعت گروه‌های مذکور از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و امکان اعمال قواعد ثانویه، که از جنس ضمانت اجرا هستند منعکس می‌شود. در این مقاله با تکیه بر روش قیاسی نظریه‌های راجع به التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه از رهگذر تدقیق در منابع حقوقی بین‌المللی موجود در این زمینه و اثر آن بر امکان اعمال قواعد ثانویه با تاکید بر مخاصمات مسلحانه‌ی غیربین‌المللی در یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از جمله به این دستاورد اشاره نمود که صرف نظر از همه مشابهت‌ها و تفاوت‌های نظریه‌های بررسی شده در این خصوص به نظر می‌رسد نظریه‌ی پایبندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی، التزام گروه‌های مذکور را بهتر تبیین می‌نماید.

کلید واژه‌ها: گروه‌های مسلح غیر دولتی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تعهدات بین‌المللی، قواعد ثانویه، مخاصمه‌ی

مسلحانه غیر بین‌المللی، یمن

Theories on Necessity of Observing Rules of International Humanitarian Law by Non State Armed Groups in the Light of Non International Armed Conflicts in Yemen

Abstract

The presence of Non State Armed Groups (NSAGs) in non-international armed conflicts has become a threat to the international peace and security in the last few decades. In this regard, shedding light on the matter of the aforementioned entities' adherence to the rules and regulations of international humanitarian law, as a branch of international law regulating armed conflicts, as well as its necessity through examining theoretical foundations proposed in this field of study is of great significance, since the effect of their adherence to the provisions of this field of law as primary rules, is, in turn, reflected in applying secondary rules. This article is aimed at providing an answer to these matters through using library and internet sources as well as international documents, with an emphasis on NSAGs involved in Yemen crisis. On the basis of analogical method and through examining international sources and doctrine, this article aims to shed light on the theories concerning non state armed groups' adherence to the rules of international humanitarian law and its effect on secondary rules with emphasis on the non-international along with internationalized armed conflict in Yemen. It is finally concluded the theory of binding force of IHL on NSAGs due to the exercise of de facto governmental functions may explain the aforementioned entities' commitments to rules in question more clearly.

Key Words: Non state armed groups, International humanitarian law, International obligations, Secondary rules, Non International Armed Conflict in Yemen

مقدمه:

اکنون چندین دهه است که رویارویی گروه‌های مسلح غیردولتی^۱ بعضاً با توان بسیار بالای نظامی در مقابل یکدیگر یا علیه دولت‌ها^۲ مبدل به یکی از موارد تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد در حال حاضر تعداد رو به افزایش مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی با ویژگی منحصر به فرد آنها، که عبارت است از قدرت و توان قابل ملاحظه‌ی گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان یک طرف مخاصمه، مسئله‌ای است که در قلمرو حقوق بین‌الملل می‌بایست

^۱ انجمن حقوق بین‌الملل در گزارش خود در سال ۲۰۱۶ تعریف کاربردی از گروه‌های مسلح غیر دولت مبتنی بر سه عنصر به عمل آورده است. بدین ترتیب که:

(الف) اولاً، گروه‌های مسلح غیر دولت «سازمان‌های متشکل از دولت‌ها یا سازمان‌هایی که توسط گروهی از دولت‌ها، اداره یا کنترل یا کنترل می‌شوند» نیستند.

(ب) ثانیاً، گروه‌های مسلح غیر دولت بازیگرانی هستند که در واقع «اقداماتی در عرصه بین‌المللی انجام می‌دهند که تأثیرات واقعی یا بالقوه بر حقوق بین‌الملل دارد.»

(ج) ثالثاً، گروه‌های مسلح غیر دولت نهادهای قانونی شناخته شده و سازمان یافته هستند. به رسمیت شناختن حقوقی می‌تواند در قوانین ملی یا بین‌المللی صورت گیرد. این دسته بندی شامل افراد، نهادهای سازمان یافته غیرقانونی و غیر مشروع نظیر مافیا و نیز گروه‌های غیرقانونی و غیر مشروع نظیر گروه القاعده، که به هیچ وجه به رسمیت شناخته نشده‌اند، نمی‌شود. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Jean d'Aspremont, *et al*, "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)", (2016), at 5-7, doi 10.13140/RG.2.2.31590.75844.

^۲ حسب تعریف ارائه شده در ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی مخاصماتی هستند که بر خلاف مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی میان دولت‌ها صورت نمی‌گیرند، بلکه چنین مخاصماتی در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیر دولتی مخالف و یا میان خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند. گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست از سطح مشخصی از سازمان یافتگی برخوردار باشند و ضمن برخوردار بودن از وجود فرماندهی مسئول بر بخشی از قلمرو ارضی کنترل داشته باشند تا آنان را قادر به اجرای مفاد پروتکل مذکور نماید. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

آرامش شهبازی و پویا برلیان، «مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه‌ی غیر بین‌المللی: تأملی در بحران یمن»، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۴۲، (۱۳۹۷)، صص: ۳-۴

بدان پرداخته شود تا از این طریق تا حد امکان زوایای خاکستری آن تبیین گردد، چراکه اصولاً قواعد حقوقی می‌بایست دربرگیرنده‌ی پاسخ به تحولات و مسائل روز جامعه‌ی تحت سیطره‌ی خود باشند. در این میان یکی از موضوعات بسیار مهم در خصوص گروه‌های مسلح غیردولتی که در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مجال مطرح شدن می‌یابد آن است که نظریه‌ی حاکم بر التزام گروه‌های مسلح غیر دولتی در مخاصمات مسلحانه چیست؟ بررسی و پرداختن به پرسش مطرح شده به نوبه‌ی خود نقش حائز اهمیتی در تبیین نظام احتمالی مسئولیتی گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه ایفا می‌کند که پرداختن به آن با توجه به افزایش روز افزون نقش گروه‌های مسلح غیر دولتی در قلمرو حقوق بین‌الملل از اهمیت وافری برخوردار است. در راستای پرداختن به مسائل فوق در بخش نخست مقاله به تبیین مبانی نظری علل پایبندی گروه‌های مسلح غیر دولتی به تعهدات بین‌المللی بشر دوستانه پرداخته می‌شود. در بخش دوم مقاله‌ی پیش رو ضرورت و ثمره‌ی ملتزم تلقی کردن گروه‌های مذکور به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه مورد بررسی واقع می‌شود و در بخش سوم وضعیت یمن در پرتو مباحث فوق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- تبیین مبانی نظری علل پایبندی گروه‌های مسلح غیر دولتی به تعهدات بین‌المللی بشر دوستانه

با نگاهی به بخش معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، روشن می‌شود که در ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره دو به آن‌ها، تعهداتی برای گروه‌های مسلح غیردولت به عنوان دست کم یک طرف درگیری در جریان مخاصمات مسلحانه‌ی غیربین‌المللی در نظر گرفته شده است.^۳ از سوی دیگر مطالعات صورت گرفته از جانب کمیته‌ی مطالعات عرفی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ با محوریت شناسایی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در سال ۲۰۰۵، مؤید این یافته است که برخلاف بخش معاهده‌ای، در قلمرو عرفی این شاخه از حقوق بین‌الملل، اکثر قواعد و مقررات شامل هر دو نوع شناخته شده‌ی مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی می‌گردد و در نتیجه تعهدات گروه‌های مسلح غیردولتی محدود به قواعد مندرج در معاهدات نام برده شده نمی‌شود.^۴ در مقدمه‌ی نوشتار مطالعاتی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در این باب چنین بیان شده است که: "...در این تحقیق شواهدی ارائه گردیده دال بر آن که بسیاری از

³ E. Heffes, "The Establishment of Courts by Organized Non-State Armed Groups in Light of the Principle of Equality of Belligerents", 18th Yearbook of International Humanitarian Law, (2015), at 3, Available

at: https://www.academia.edu/35137645/Generating_Respect_for_International_Humanitarian_Law_The_Establishment_of_Courts_by_Organized_Non_State_Armed_Groups_in_Light_of_the_Principle_of_Equality_of_Belligerents_Yearbook_of_International_Humanitarian_Law_18_2015_2016, Last visited March 5, 2022

⁴ جمشید ممتاز و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمه مسلحانه داخلی، چاپ دوم، (تهران: انتشارات میزان،

قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه نسبت به هر دو حوزه‌ی مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و غیر بین‌المللی اعمال می‌گردند و اینکه رویه‌ی دولت‌ها تا چه حد از حقوق معاهدات موجود فراتر رفته و قواعد قابل اجرا نسبت به مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی را بسط داده است.^۵

با روشن شدن قلمرو تعهدات بین‌المللی گروه‌های مسلح غیردولتی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نوبت به پرداختن به مبانی نظری پایبندی موجودیت‌های مذکور به تعهدات بین‌المللی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌رسد. واقعیت آن است که توافقی عمومی راجع به تعهد گروه‌های مسلح غیردولتی نسبت به پیروی و متابعت از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد و از این جهت تفاوت عمده‌ای میان دولت‌ها و موجودیت‌های مذکور وجود ندارد. با این وجود هنگامی که نوبت به بحث راجع به مبنا و دلایل التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد این حوزه می‌رسد، معلوم می‌گردد نظریه‌های مختلفی در خصوص تبیین علت پایبندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد نام برده شده مطرح شده است.^۶ در ادامه نظریه‌های مطرح‌شده در این زمینه تبیین می‌شوند.

در نظریه‌ی پایبندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد بین‌المللی به دلیل پذیرش قبلی قواعد مذکور توسط دولت مادر، که از آن به عنوان نظریه‌ی «صلاحیت قانون‌گذاری»^۷ نام برده می‌شود، چنین استدلال می‌شود که دولت دارای حاکمیت بر اشخاص و نهادهای متبوع خویش است. اثر این وضعیت آن است که دولت از رهگذر پیوستن به یک معاهده‌ی بین‌المللی، نه تنها خود، بلکه موجودیت‌های تحت حاکمیت خود را نیز به مفاد معاهده‌ی مذکور متعهد می‌سازد؛ حتی اگر موجودیت مذکور گروه مسلح غیردولتی باشد که در حال مخاصمه‌ی مسلحانه با آن دولت است.^۸ نقطه‌ی اتکای اصلی نظریه‌ی صلاحیت قانون‌گذاری ریشه در این واقعیت دارد که این نظریه موجد پاسخ برای این پرسش است که چرا گروه‌های مسلح غیردولت ملزم به رعایت تمامی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ای هستند که دولت قلمرو ارضی بدان‌ها رضایت داده است، صرف نظر از این واقعیت که ممکن است خود گروه‌های مسلح غیردولتی به متعهد شدن به آن قواعد، رضایت نداده باشند. به علاوه، مسیر استدلالی استفاده شده در این نظریه تا حد بسیار زیادی قابل مقایسه با سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل است که در آن‌ها، دولت‌ها دست به اعطای حق یا تحمیل تعهد بر اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌زنند. با این وجود، فقدان

^۵ ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی*، ترجمه‌ی دفتر ترجمه‌ی امور بین‌الملل قوه‌ی قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷)، صص ۳۰-۳۱.

^۶ Sandesh Sivakumaran, *The Law of Non-International Armed Conflict*, (London: Oxford University Press, 2012), at 10-12, Available at: < <https://www.corteidh.or.cr/tablas/31035.pdf>>, Last visited July 10, 2022

^۷ Legislative Jurisdiction

^۸ L. Moir, "The Law of Internal Armed Conflict", *Cambridge Studies in International and Comparative Law*, Cambridge University Press, (2002), at 53, doi:10.1017/CBO9780511495168

رضایت گروه‌های مسلح غیردولتی منجر به بروز محدودیت‌های جدی در تمایل این موجودیت‌ها به پذیرش قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابق نظریه‌ی مورد بحث می‌شود. این واقعیت که گروه مسلح غیردولتی یک طرف مخاصمه‌ی مسلحانه‌ای است که علیه حکومت مرکزی یک دولت در حال مبارزه است، تا حد بسیار زیادی تقویت‌کننده‌ی این استدلال است که گروه مذکور حتی ابتدایی‌ترین موازین حقوقی آن دولت را، که در صدد تداوم بخشیدن به انحصار حکومت مرکزی در استفاده از زور از رهگذر جرم‌انگاری هر عمل موجد چالش در خصوص انحصار مورد بحث است، نمی‌پذیرد.⁹ در نظریه‌ی قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه مسلح غیردولتی به علت ملزم تلقی شدن اشخاص، این گونه استدلال می‌شود که الزام‌آور بودن حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اشخاص از دیرباز مورد شناسایی واقع شده است. از آنجائی که اشخاص به دلیل ارتکاب جرایم جنگی مجازات می‌شوند، واضح است تکالیفی برعهده‌ی آنان است که به طور مستقیم از حقوق بین‌الملل نشأت می‌گیرد. چنین تکالیفی شامل تمامی اشخاص می‌شود، صرف نظر از این که در جایگاه رسمی مبارز در یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی بین‌المللی و به عنوان اعضای گروه مسلح متعلق به یک طرف درگیری در چنین مخاصمه‌ی مسلحانه‌ای باشند، یا آن که عضوی از یک گروه مسلح درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه غیر بین‌المللی یا آن که غیرنظامی باشند.¹⁰ اما واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه میان اطراف یک مخاصمه‌ی مسلحانه شامل موجودیت‌های جمعی (دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی) از یک سو و اشخاص از سوی دیگر قائل به تفکیک می‌شود. به واقع این ماهیت جمعی خشونت سیاسی و سازمان‌دهی گروهی از اشخاص درگیر در چنین خشونت است که یک وضعیت ناآرامی را مبدل به یک مخاصمه‌ی مسلحانه می‌کند. گروه‌های مسلح غیردولتی که در یک مخاصمه‌ی مسلحانه درگیر هستند تنها جمعی از اشخاص نیستند که به صورت متفرق اقدام می‌کنند، بلکه این گروه‌ها، درست همانند وقتی که دولت‌ها یک طرف درگیر در مخاصمه‌ی مسلحانه هستند، موجودیت‌های قابل شناسایی و با اهداف سیاسی مشخص هستند. گروه‌های مسلح غیردولت مذکور دارای ارتش منظم و فرمانده‌ای هستند که مسئول اقدامات خود تلقی می‌شود. این در حالی است که شخص عضو گروه از جانب گروه مسلح غیردولت دست به اقدام می‌زند. بنابراین ماهیت توسعه نیافته‌ی چارچوب حقوقی حاکم بر مسئولیت جمعی گروه‌های مسلح غیردولت نباید سبب بی‌توجهی به این واقعیت بشود که درگیری شخص حقیقی عضو گروه مسلح در مخاصمه به عنوان بخشی از یک موجودیت جمعی است. به واقع همان گونه که امکان دارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط یک شخص حقیقی به طور هم‌زمان دربرگیرنده‌ی مسئولیت کیفری

⁹ Daragh Murry, "How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups", Journal of Conflict & Security Law, Oxford University Press, (2014), at 8-10, doi:10.1093/jcs/lkru010

¹⁰ Jann K. Kleffner, The applicability of international humanitarian law to organized armed groups, International review of the red cross, Volume 93, Number 882, (2011), at 11, doi:10.1017/S181638311200001X

فردی او و نیز مسئولیت بین‌المللی دولتی شود که اقدامات شخص مذکور به آن منتسب می‌شود، همان‌گونه نیز متصور است که اقدامات شخص مورد بحث علاوه بر مسئولیت کیفری فردی وی مستلزم مسئولیت گروه مسلح غیردولت نیز بگردد. این بدان معنا نیست که صرفاً اعضای یک طرف درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه ممکن است قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض کنند، بلکه منظور آن است که گروه مسلح غیردولت، مستقل از اعضای خود، به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه عهده‌دار تکالیفی است.^{۱۱} بنابراین و با عنایت به آنچه بیان شد، منطقی نیست قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت را از رهگذر ارجاع قدرت الزام‌آور قواعد مذکور بر اشخاص تفسیر نمود؛ چرا که چنین تفسیری این واقعیت را نادیده می‌انگارد که گروه مسلح غیردولت خود مخاطب تعهدات مجزایی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که مستقل و جدای از تعهدات اشخاص است.^{۱۲}

در نظریه‌ی پایبندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی، مبنای استدلال، بحث «دولت در حال شکوفایی»^{۱۳} به نحو مندرج ماهی ۱۰ طرح مسئولیت دولت‌ها می‌باشد.^{۱۴} بدین ترتیب که گروه‌های مسلح غیردولتی که درصدد ایجاد دولت جدید هستند، در صورت نایل شدن به هدف خود، مسئول اعمال متخلفانه خود در زمان مبارزه هستند.^{۱۵} به دیگر سخن هنگامی که قدرت مسئول دست به اعمال حاکمیت موثر بزند، علت متعهد بودن چنین قدرتی آن است که به واقع نماینده‌ی کل کشور یا بخشی از آن است. چنین رویکردی در پرتو اصل موثر بودن،^{۱۶} که عنصری در دولت‌گونگی و شناسایی حکومت‌ها به شمار می‌رود، تقویت می‌شود. اتخاذ چنین

^{۱۱} برای مثال هنگامی که ماده‌ی ۳ مشترک تحمیل مجازات و سلب حیات را بدون منوط بودن به دادرسی قبلی که توسط یک دادگاه منظم و متشکل از تمامی تضمینات قضایی که به گواه مردم متمدن ضروری است ممنوع اعلام می‌کند و یا هنگامی که ماده‌ی ۶ پروتکل الحاقی شماره ۲ به معرفی استانداردهای بیشتری راجع به تعقیبات کیفری می‌پردازد، این بدان معنا است که قواعد مذکور به صورت ضمنی بیان می‌دارند که به منظور پیروی از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در قضایای مربوط به محاکمات، طرف‌های درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه، از جمله گروه‌های مسلح غیردولت در مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی باید اقدام به تأسیس سازوکارهای قضایی کنند که به آستانه‌ی استانداردهای معرفی شده در این زمینه برسد. به طور قطع، انجام چنین امری مربوط به گروه مسلح غیر دولت به عنوان یک کل است و نه امری مربوط به اشخاص. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Klenffer, op.cit, at 11

^{۱۲} *Ibid*, at 12

^{۱۳} States in Statue Nascendi

^{۱۴} کمیسیون حقوق بین‌الملل، *مسئولیت بین‌المللی دولت*، ترجمه‌ی ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم گل، چاپ ششم، (تهران: موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، صص ۷۴-۷۵

^{۱۵} L. Zegveld, "Accountability of Armed Opposition Groups in International Law", Cambridge Studies in International and Comparative Law, Cambridge University Press, (2002), at 18, doi:10.1017/CBO9780511495199

^{۱۶} The Principle of Effectiveness

رویکردی به طور قطع تمرکز را از سمت قدرت الزام آور قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه بر اشخاص به سمت ماهیت جمعی گروه مسلح غیردولت تغییر می دهد و بدین ترتیب به وضعی که در استدلال قدرت الزام آور قواعد مذکور بر اشخاص وجود دارد پاسخ داده می شود. به بیانی دقیق تر، تفسیر کردن قدرت الزام آور بودن قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه بر گروه های مسلح غیردولت به دلیل اعمال نمودن دوفاکتوی اقتدارات حکومتی هم چنین منجر به برداشته شدن گام مهمی در شناخته شدن گروه های مذکور، به عنوان بازیگران مستقلی که از دولت ها مجزا هستند، می شود. به واقع در هیچ کجا به اندازه ی چارچوب ماده ی ۱۰ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها این مسئله به طور واضح بیان نشده است که رفتار یک جنبش شورشی در صورت شکست به دولت منتسب نمی باشد. بدین ترتیب قواعد مربوط به مسئولیت بین المللی دولت ها ناشی از ارتکاب اعمال متخلفانه ی بین المللی این نکته را روشن می کند که ساختار، سازمان دهی و رفتار چنین جنبشی از ساختار، سازمان دهی و رفتار دولت متمایز است. از سوی دیگر حسب استدلال مطروحه در این نظریه، با توجه به این که منطقی است که چنین گروه هایی دغدغه ی مشروع بودن خود را از منظر سایر دولت ها و جامعه ی بین المللی در سطح کلان داشته باشند، ممکن است راجع به هر استدلالی دائر بر این که گروه های مذکور باید از قواعدی که به عنوان بخشی از شاکله ی مشروع تلقی شدن تلقی می شوند، حساس باشند و نکته ی طلایی آن است که چنین قواعدی به طور قطع دربرگیرنده ی ملاحظات بنیادین راجع به بشریت هستند، همان گونه که قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه این گونه هستند. هم چنین در مقایسه با نقطه ضعف نظریه ی صلاحیت قانون گذاری، که استدلال می شود اصولا گروه مسلح مایل پذیرفتن تعهداتی نیست که توسط دولت مادر پذیرفته شده است، در نظریه ی اعمال نمودن کارکردهای حکومتی دو فاکتو چنین استدلال می شود که اصولا برای گروه مسلح غیردولتی دشوار است که قدرت الزام آور قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را رد کند، چرا که قواعد مذکور خواستار آن هستند که گروه مذکور مسئولیت های خود را به عنوان یک موجودیت که شبیه به دولت است (موجودیت دوفاکتو) و سودای نماینده ی دولت بودن در آینده را دارد شناسایی کند. استدلال اعمال دوفاکتوی اقتدارات حکومتی توسط گروه های مسلح غیردولت علی رغم نقاط قوت فوق الذکر، مورد انتقاداتی نیز واقع شده است. برای آن که یک گروه مسلح غیردولت به مرحله ی اعمال دوفاکتوی اقتدارات حکومتی برسد نیازمند آن است که بر بخشی از قلمرو ارضی و جمعیت کنترل داشته باشد و هم چنین از آن چنان نظم سازمانی برخوردار باشد که در راستای اعمال قدرت عمومی جایگزین ارگان های دولت شوند؛ شرایطی که به تفصیل در پروتکل الحاقی شماره ی دو ذکر شده است. اما واقعیت آن است که تعداد کمی از مخاصمات مسلحانه ی غیردولتی به چنین آستانه ای می رسند. بدیهی است هنگامی که چنین آستانه ای حاصل نمی شود، استدلال اعمال اقتدارات حکومتی به صورت دوفاکتو نمی تواند علت التزام گروه های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه را توضیح بدهد. نکته ی دیگری که مطرح است آن است که مبنا در استدلال اعمال اقتدارات حکومتی به صورت دوفاکتو مبتنی بر تمایل گروه مسلح غیردولت به در دست گرفتن کرسی حکومت است. این

در حالی است که هیچ قطعیتی وجود ندارد که بتوان بر مبنای آن استدلال کرد که هدف تمامی گروه‌های مسلح غیردولت از مخاصمه‌ی مسلحانه دست‌یابی به چنین موقعیتی است.^{۱۷}

در نظریه‌ی قدرت الزام‌آور به سبب حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی و تلقی گروه‌های مسلح غیردولت به عنوان اشخاص حقوقی بین‌المللی، مبنای استدلال آن است که گروه‌های مذکور به سبب شخصیت حقوقی بین‌المللی که دارند، به حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی ملتزم تلقی می‌شوند. کمیسیون تحقیق در امور دارفور مسئله‌ی فوق را این‌طور بیان می‌کند که تمامی گروه‌هایی که به سطح مشخصی از سازمان‌دهی، ثبات و داشتن کنترل موثر بر قلمرو ارضی رسیده‌اند از شخصیت حقوقی بین‌المللی برخوردار هستند و بنابراین به مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی عرفی مربوطه در زمینه‌ی مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی ملتزم تلقی می‌شوند.^{۱۸}

حسب نظریه‌ی مذکور، علت پایبندی گروه‌های مسلح غیردولت برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی به قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه جایگاه عرفی محتوای این قواعد می‌باشد؛ قواعد بشردوستانه‌ی عرفی که اصولاً ناشی از رویه‌ی دولت‌ها تلقی می‌شود. در این راستا در دکترین این مسئله مورد پذیرش برخی از اندیشمندان واقع شده است که برای ملتزم تلقی نمودن گروه‌های مسلح غیردولت به یک قاعده‌ی عرفی می‌بایست رویه‌ی این گروه‌ها مورد توجه واقع گردد.^{۱۹} از منظر این دسته از اندیشمندان، قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه‌ی عرفی حاکم بر مخاصمات مسلحانه‌ی غیردولتی می‌بایست نشأت گرفته از رویه‌ی عملی و عنصر معنوی هر دو طرف این نوع مخاصمات، یعنی دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی، در نظر گرفته شود. حقوق عرفی مبتنی بر رفتار تابعان^{۲۰} یک قاعده در قالب فعل یا ترک، بیانات، اظهارنظرها، اتهامات متقابل و توجیحات آنان برای رفتارهای خویش است و از لحاظ منطقی گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست تابع حقوق عرفی باشند که در خلق و ایجاد آن مشارکت می‌کنند.^{۲۱} در واقع مطابق نظریه‌ی مورد بحث، مشارکت گروه‌های مسلح غیردولتی در فرآیند خلق قواعد عرفی از رهگذر مورد ملاحظه قرار دادن اظهارات علنی موجودیت‌های مذکور در قالب اعلامیه‌های

¹⁷ Murry, *op.cit*, at 15-17

¹⁸ Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations secretary General, (25 January 2005), Para 172, Available at: < <https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/report-of-the-international-commission-of-inquiry-on-darfur-to-the-united-nations-secretary-general/>>, Last visited March 8, 2022

¹⁹ Jonathan Somer, "Jungle justice: passing sentence on the equality of belligerents in non-international armed conflict", Selected article on international humanitarian law, Volume 89, Number 867, (September 2007), at 655- 661, Available at: < <https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-867-8.pdf>>, Last visited April 15, 2022

²⁰ Subjects

²¹ Marco Sassòli, "Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law", Journal of International Humanitarian Legal Studies, 1(1), (2010), at 21-23. doi: <https://doi.org/10.1163/187815210X12766020139767>

یکجانبه، توافق‌های ویژه و کدهای رفتاری آن‌ها قابل استنباط است؛ چرا که قالب‌های نام برده شده نمایانگر رویه‌ی عملی و اعتقاد حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی در بیان و ابراز تمایل آنها به ملتزم تلقی شدن به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. در چنین فضای استدلالی، وقتی گروه مسلح غیردولتی درمی‌یابد که دارای فرصتی برای مشارکت در فرآیند قانون‌سازی در قلمرو عرفی است، چنین استدلال می‌شود که این امر می‌تواند به مثابه‌ی انگیزه‌ی قدرتمندی برای تغییر رفتار آنها در جهت رعایت هرچه بیشتر قواعد حوزه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه عمل نماید.^{۲۲}

البته واقعیت آن است که دخیل در نظر گرفتن گروه‌های مسلح غیردولتی در فرآیند تحول و توسعه‌ی قواعد بین‌المللی با چالش‌هایی از قبیل تشخیص و انتخاب گروه‌های غیرمسلح قادر به انجام چنین امری، نظارت و تفسیر نمودن اقدامات گروه‌های مذکور اعم از فعل یا ترک فعل به عنوان اقدامات مؤید رویه‌ی عملی و اعتقاد معنوی آن‌ها و چگونگی بها دادن به چنین عناصر سازنده‌ی عرفی در کنار رویه‌ی عملی و اعتقاد حقوقی دولت‌ها و سایر گروه‌های مسلح همراه است.^{۲۳} مطابق گزارش انجمن حقوق بین‌الملل در این خصوص، گروه‌های مسلح غیردولتی نقش مهمی در شکل‌گیری معاهدات و نیز عرف بین‌المللی به صورت غیر مستقیم از رهگذر تشویق دولت‌ها به انجام اقدام یا اتخاذ رویکردی ویژه در خصوص یک موضوع ایفا می‌کنند.^{۲۴} توافق‌نامه‌های زیادی میان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی با گروه‌های مسلح غیردولت وجود دارد. انعقاد چنین توافق‌نامه‌هایی به ویژه در ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو، علی‌رغم روشن نبودن ارزش حقوقی واقعی این توافق‌نامه‌های معاهده‌گونه، مورد تشویق قرار گرفته است.^{۲۵} نکته‌ی جالب آن است که بسیاری از این توافق‌نامه‌ها

²² Somer, *op. cit.* at 665

^{۲۳} حسین خلف رضایی، «گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۶، (پاییز زمستان ۱۳۹۶)، صص ۲۵۸-۲۶۳، ۱۰.۲۲۰۶۶/۱۰.۱۴۶۳/۱۹.۸۲۴۹۱.۱۴۶۳. DOI:۲۰۱۹.۸۲۴۹۱.۱۴۶۳

²⁴ Jean d'Aspremont, *et al*, "Final Report of the Committee on Non-State Actors of the International Law Association, (ILA)", (2016), at 8-10, doi 10.13140/RG.2.2.31590.75844.

^{۲۵} عملکرد گروه‌های مسلح غیردولتی در حوزه‌ی رعایت هنجارهای بین‌المللی، ممکن است تأثیرات حائز اهمیتی بر عملکرد دولت طرف مقابل مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیربین‌المللی نیز داشته باشد. برای مثال با بررسی رویه‌ی بانگ ژنو در دکتترین مشخص شده است که موضع‌گیری و سیاست گروه‌های مسلح غیردولتی مبنی بر عدم استفاده از مین‌های زمینی، مسیر پیوستن دولت‌ها به معاهده‌ی ۱۹۹۷ اتاوا با عنوان "پیمان منع مین ضد نفر" را هموارتر ساخته است. این هموارسازی از طریق فشار اجتماعی بر دولت‌هایی بوده که هنوز به عضویت معاهده‌ی مذکور درنیامده بودند، اما گروه‌های مسلح غیردولتی فعال در قلمرو سرزمینی آن‌ها، سندی را که راجع مفاد معاهده‌ی مورد بحث توسط سازمان بانگ ژنو تهیه شده بود مورد پذیرش قرار داده بودند. نمونه واقعی این استدلال در سودان و برونی اتفاق افتاد. بدین ترتیب که جنبش آزادی خواه خلق سودان در سودان سند تعهد تنظیم شده توسط سازمان غیردولتی بانگ ژنو در خصوص خودداری از استفاده از مین‌های ضدنفر را مورد پذیرش داد و متعاقباً دولت‌های سودان نیز به معاهده‌ی ۱۹۹۷ اتاوا پیوست. در

در عمل در قالب معاهده مورد اجرا واقع شده‌اند. این در حالی است وجود چنین قابلیت‌هایی به صورت رسمی مورد شناسایی واقع نشده است، و نیاز است که گروه مسلح غیردولتی به عنوان شخص حقوقی، دارای قابلیت برای طرف معاهده بودن مورد شناسایی واقع شود. هم‌چنین برخی از گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان موجودیت‌هایی تلقی شده‌اند که قادر به صدور بیانیه‌ای یکجانبه، به ویژه در زمینه‌ی متابعت و پیروی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه، می‌باشند. مخاطب برخی از این بیانیه‌ها، به ویژه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان ملل می‌باشد. اما مهم‌تر از بحث توانایی صدور بیانیه‌های یکجانبه یا توافق نامه‌های ویژه، توجه به این نکته است که آیا رویه‌ی گروه‌های مسلح غیردولتی منجر به شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی می‌شود یا خیر؟ طرح این پرسش از این منظر حائز اهمیت است که دانسته شود برخی از نظریه‌پردازان و دادگاه‌های بین‌المللی به رویه‌ی گروه‌های مسلح غیردولتی برای ایجاد یا اثبات حقوق بین‌الملل عرفی می‌نگرند. برای مثال دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رویه‌ی^{۲۶} گروه‌های مسلح غیردولتی را، هرچند به شیوه‌ای محدود، برای ارزیابی حقوق بین‌الملل عرفی مورد توجه قرار داد. از آنجایی که اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد که صرفاً رویه‌ی پذیرفته شده به صورت قانون کفایت می‌کند و وجود مقرر را منحصر به پذیرش آن از سوی دولت‌ها نمی‌کند، بنابراین تا حدودی می‌توان از نظریه‌ی نقش رویه‌ی گروه‌های مسلح غیردولتی در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی حمایت به عمل آورد. حتی برخی از نظریه‌پردازان بر این باور هستند که گروه‌های مسلح غیردولتی، در حال توسعه‌ی حقوق مشخصات مسلحانه‌ی مختص خود به موازات حقوق مشخصات مسلحانه میان دولت‌ها هستند.^{۲۷}

با این وجود، غالب مفسران حقوق بین‌الملل، نظیر کمیسیون حقوق بین‌الملل عقیده دارند که عمدتاً دولت‌ها در تکوین حقوق بین‌الملل عرفی نقش دارند. بنابراین در حالی که نهادی مانند کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ رویه‌ی گروه‌های مسلح غیردولتی را رصد و مستند می‌کند، در عین حال رویه‌ی این موجودیت‌ها را از رویه‌ی دولت‌ها در رابطه با شکل‌گیری حقوق

برونتی نیز روند تصویب معاهده‌ی اوتاوا توسط دولت از طریق گروه‌های مسلح غیردولتی بدین ترتیب تسهیل شد که ابتدا جنبش موسوم به شورای ملی دفاع از دموکراسی التزام و پایبندی خود را به سند تعهد تنظیم شده توسط سازمان بانگ ژنو در خصوص پیمان منع استفاده از مین‌های ضد نفر اعلام نمود و هنگامی که جنبش مذکور در سال ۲۰۰۵ به قدرت رسیده فرآیند تصویب معاهده‌ی اوتاوا با سرعت بسیاری صورت پذیرفت. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Geneva Call, "Engaging Armed Non-State Actors in a Landmine Ban", The Geneva Call Progress Report 2000-2007, at 11-12, Available at: < https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/raport.pdf >, Last visited March 20, 2022 & H. Krieger, *Inducing Compliance with International Humanitarian Law: Lessons from the African Great Lakes Region*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2015), at 37, doi:10.1017/CBO9781316182369

²⁶ Practice

²⁷ Kleffner, *op.cit.*, at 17

بین‌الملل عرفی متمایز می‌سازد و علت این تمایز عدم قطعیت در شناسایی و دسته‌بندی بازیگران در تشکیل قواعد لازم برای تکوین حقوق بین‌الملل عرفی است. به واقع بررسی محتوای حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نشانگر آن است که این حوزه با مانع نسبتاً بزرگی مواجه است و آن عبارت است از تلقی دولت‌ها به عنوان یگانه موجودیت‌های قادر به حقوق‌سازی در قلمرو حقوق بین‌الملل. این در حالی است که دست‌کم در چارچوب قواعد حقوق بشردوستانه، ارزش و جایگاه اظهارنظرهای علنی گروه‌های مسلح غیردولتی با محوریت ابراز تمایل خودخواسته به موضوعات مربوط به شاکله و بنیان حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست.^{۲۸} از منظر برخی از اندیشمندان در دکترین، طراحی هرچه کارآمدتر حقوق به منظور هرچه بهتر پوشش دادن مقتضیات مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی، در گرو درک نمودن برداشتها و تلقی‌های اطراف مخاصمه‌ی مسلحانه از مقررات و همچنین تنویر علل تبعیت یا عدم تبعیت آنان از مقررات موجود می‌باشد.^{۲۹}

اما در کنار نظریه‌های گوناگونی که در دکترین راجع به علل پابندی گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بشردوستانه بیان شده است، از «اصل برابری متخاصمان»^{۳۰} نیز به عنوان یکی از نظریه‌های چرایی ملتزم تلقی شدن گروه‌های مذکور به قواعد این حوزه از حقوق نام برده می‌شود.^{۳۱} حسب اصل برابری متخاصمان، تمام طرف‌های درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه، صرف‌نظر از قضاوت در خصوص مشروعیت سنجی انگیزه و علت توسل به زور، دارای حقوق و تکالیف برابر هستند. این امر به صورت ضمنی در ماده‌ی ۳ مشترک با عبارت‌پردازی «هر طرف درگیر»^{۳۲} و همچنین در بند یک ماده‌ی یک پروتکل الحاقی شماره دو به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو مطرح شده است. بدین ترتیب تعهد گروه‌های مسلح غیردولتی به تبعیت و پیروی از هنجارهای حوزه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، صرف‌نظر از هرگونه قانون‌گذاری ملی که رفتار آنها را جرم‌انگاری نماید، بر مبنای اصل برابری متخاصمان، پا برجا باقی می‌ماند.^{۳۳} به واقع بر مبنای اصل مذکور، چنین فرض می‌شود که تمامی طرف‌های درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه به میزان و به دلایل حقوقی برابر به قواعد حوزه‌ی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ملتزم هستند؛ چرا که اگر غیر از این فرض شود، نتیجه آن می‌شود که برابری جایگاه طرف‌های درگیر از میان برود و تعهدات گروه‌های مسلح غیردولتی در مقایسه با دولت‌ها سیطره‌ی محدودتری را به خود اختصاص بدهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که ثمره‌ی اصل برابری متخاصمان در افزایش احتمال رعایت هنجارهای حقوق بین‌الملل

²⁸ d'Aspremont, *et al op.cit*, at 11

²⁹ علی توکلی طبسی و فرنگیس منصوری، «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره‌ی ۳۲، شماره ۵۲، (بهار-تابستان ۱۳۹۴)، صص ۱۶۱-۱۶۲

³⁰ The Principle of Equality of Belligerents

³¹ Somer, *op. cit.* at 668

³² Each Party

³³ Qureshi, *op.cit.* at 14

بشردوستانه در چارچوب مخاصمات مسلحانه است. در چنین شرایطی اگر گروه‌های مسلح غیردولتی بر این باور باشند که هنجارهای مذکور صرفاً ساخته و پرداخته‌ی دولت‌ها نیست، شانس احترام این موجودیت‌ها به هنجارهای مورد بحث باز هم افزایش می‌یابد.^{۳۴}

نظریه‌ی دیگری که در این زمینه مطرح شده است نظریه‌ی شمول قدرت الزام‌آور قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت به دلیل رضایت این موجودیت‌ها می‌باشد. تمامی استدلال‌های مطروحه در قسمت‌های پیشین، مبتنی بر این فرض هستند که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صرف نظر از رضایت یا برخلاف رضایت گروه‌های مسلح غیردولتی بر آن‌ها تحمیل می‌شود. در نقطه‌ی مقابل تمامی استدلال‌های مذکور، استدلالی وجود دارد که بیان می‌کند علت التزام گروه‌های مسلح غیردولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه آن است که این موجودیت‌ها رضایت خود را نسبت به ملتزم شدن به موجب یک قاعده اعلام کرده‌اند.^{۳۵} در این راستا، کمیسیون تحقیق در امور دارفور علاوه بر اشاره به شخصیت حقوقی گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان یک مبنا، این نکته را مورد تبیین قرار داده است که پذیرش ضمنی اصول کلی و قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیردولت از مفاد برخی توافق‌نامه‌های منعقد شده میان دولت سودان و جنبش آزادی بخش سودان قابل استنباط است. به علاوه از آنجایی که جنبش آزادی‌بخش سودان به موجب حقوق بین‌الملل عرفی از قدرت ورود به توافق‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور برخوردار است، توافق‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آور متعددی با دولت سودان منعقد کرده است. در توافق‌نامه‌های مذکور، جنبش مذکور متعهد به متابعت از حقوق بین‌الملل بشردوستانه شده است. به بیان دیگر، کمیسیون مذکور دست به ترکیب استدلال الزام‌آور بودن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر گروه‌های مسلح غیردولت به سبب بهره‌مندی آن‌ها از شخصیت حقوقی بین‌المللی با استدلال الزام‌آور بودن قواعد مذکور بر گروه‌های مذکور به دلیل رضایت آن‌ها به پایبندی به قواعد فوق زده است. به واقع به هیچ‌وجه امری استثنایی نیست که گروه‌های مسلح غیردولتی به صورت یک جانبه رضایت خود را نسبت به قواعد حقوق بین‌الملل

³⁴ David E. Cunningham, *et al*, "Non-State Actors in Civil Wars: A New Dataset." *Conflict Management and Peace Science*, no. 5, vo. 30, (2013), at 516–519, doi: 10.1177/0738894213499673.

³⁵ به واقع حقوق بین‌الملل بشردوستانه به همان اندازه که منعکس‌کننده‌ی رویکردی رضایت‌محور در خصوص قدرت الزام‌آور قواعد این حوزه است، به همان اندازه نیز چنین رضایتی را نامرتبط قلمداد می‌کند. از یک سو، ماده‌ی ۳ مشترک بیان می‌کند که هر طرف درگیری ملزم به اعمال نمودن تعهدات ماهوی مندرج در قسمت یک به عنوان استانداردهای (حداقلی) است. ملاحظه می‌شود رضایت یا عدم رضایت گروه مسلح غیردولت بی‌اهمیت تلقی شده است. از سوی دیگر ماده‌ی ۳ مشترک طرف‌های درگیر در یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی را به انعقاد موافقت‌نامه‌های ویژه تشویق می‌کند که از رهگذر آن‌ها تمامی یا بخشی از مقرره‌های کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو لازم‌الاجرا شود. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Klenffer, *op.cit.* at 20

بشردوستانه اعلام کنند؛ نظیر مورد پذیرش قرار دادن اسناد تعهدی که توسط بانگ ژنو در خصوص ممنوعیت به کارگیری مین‌های ضد نفر و نیز افزایش حمایت از کودکان در برابر تأثیرات مخاصمات مسلحانه تهیه شده است. در این راستا چنین استدلال می‌شود که بها دادن به عنصر رضایت گروه مسلح غیر دولتی در پذیرش قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه سبب می‌شود هنجارهای مذکور با درجه‌ی بیشتری از مشروعیت از منظر گروه مورد بحث تلقی می‌شوند. چنین مشروعیتی به نوبه‌ی خود احتمال فرآیند داخل شدن هنجارها به رویه‌ی عملی گروه مسلح غیردولت را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب در حالت اعلام رضایت توسط گروه مسلح غیردولت، مبنایی برای اشاعه‌ی حقوق و فرآیند مشارکت توسط نهادهای بشردوستانه نظیر کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ فراهم می‌شود. به علاوه، این که به گروه مسلح غیردولت اجازه داده شود که رضایت یا عدم رضایت خود را نسبت به یک قاعده‌ی مشخص بیان کند، سبب می‌شود این ظرفیت برای گروه مسلح غیردولت ایجاد شود که به شناسایی قواعدی بپردازد که آن‌ها را منطبق با واقعیت تلقی می‌کند. از سوی دیگر انتقاد وارد بر این نظریه آن است وجود لزوم رضایت به این معنی است که هیچ قاعده‌ای از حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی معاهده‌ای که گروه مسلح غیردولت به پایبند شدن به آن رضایت نداده است، بر گروه مذکور الزام آور نخواهد بود و این امر تهدید کننده‌ی اصل برابری متخاصمان خواهد بود.^{۳۶}

۲- تبیین ضرورت و ثمره‌ی ملتزم تلقی کردن گروه‌های مسلح غیر دولتی به تعهدات بین‌المللی بشردوستانه

پس از بررسی مبانی التزام گروه‌های مسلح غیر دولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نوبت به تنویر اثر التزام مذکور به این قواعد در چارچوب قواعد ثانویه می‌رسد. واقعیت آن است که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی از حیث بین‌المللی وابسته به عوامل گوناگونی است. در سطح دکترین، اندیشمندان دلایل گوناگونی برای ضرورت این موضوع بیان نموده‌اند از جمله آن که مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی می‌تواند منجر به اجرای بهتر حقوق بین‌الملل نیز بگردد؛ چرا که این قابلیت فراهم می‌شود تا به جای مجازات کردن اشخاص در سطح کیفری به گونه‌ی صرف، از گروه خواسته شود که رویه‌ی خود را تغییر بدهد.^{۳۷} دلیل دیگر در لزوم ارائه‌ی پاسخ به پرسش مذکور آن است که پاسخ‌های متفاوت، در برگیرنده‌ی دلالت‌های ضمنی متفاوت راجع به این موضوع هستند که کدام یک از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابلیت اعمال بر گروه‌های مسلح غیردولت را دارند و این که کدام رفتار گروه مسلتزم مسئولیت خواهد

³⁶ Ibid, at 21

³⁷ Bellal Annyssa, *Establishing the Direct Responsibility of Non-State Armed Groups for Violations of International Norms: Issues of Attribution*, In *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015), at 32, doi: https://doi.org/10.1163/9789004293632_016

بود.^{۳۸} از سوی دیگر عده‌ای از اندیشمندان بر این باور هستند که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی از حیث بین‌المللی فرصتی مقتضی برای قربانیان فراهم می‌سازد تا برای درد و رنج تحمیل شده به آنان در اثر نقض قواعد حقوق بین‌الملل درخواست جبران خسارت نمایند.^{۳۹} استدلال دیگری که در دکتترین در خصوص ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی مطرح شده است مؤید این یافته است که به منظور اعمال موثر و کارآمد حقوق بین‌الملل بر گروه‌های شورشی مخالف، می‌بایست بتوان گروه را به عنوان «یک کل»^{۴۰} درگیر ساخت، چراکه جرایمی که تحت عنوان جرم بین‌المللی شناخته می‌شوند اصولاً جرایمی هستند که پایه‌های آن‌ها بر کلیت استوار است و به صورت انفرادی ارتکاب نمی‌یابند.^{۴۱} از سوی دیگر، عده‌ای دیگر از اندیشمندان بر این باور هستند که حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌بایست به طور مستقیم و از طریق ساز و کارهای بین‌المللی علیه گروه‌های مسلح به عنوان یک گروه اعمال گردد. از منظر این طیف از نظریه‌پردازان، حقوق بین‌الملل می‌بایست با قلمرو حال حاضر بین‌المللی منطبق شود؛ قلمرویی که در آن بازیگران گوناگونی از جمله گروه‌های مسلح در حال نقش آفرینی هستند.^{۴۲}

اما چه بسا مهم‌ترین استدلال، ریشه در فاصله‌ی ایجاد شده به موجب قواعد ثانویه‌ی راجع به رژیم مسئولیت بین‌المللی داشته باشد. واقعیت آن است که به هنگام نقض یک تعهد بین‌المللی، شرایط به گونه‌ای است که اشخاص و دولت‌ها در قالب رژیم‌های جداگانه‌ی حقوقی، مسئول شناخته می‌شوند. بدین ترتیب که از یک سو، نظام مسئولیت کیفری بر اعضای گروه‌های مسلح غیردولتی قابل اعمال است و این در حالی است که صرفاً مجموعه‌ای معین از نقض‌ها، مشخصاً نقض‌هایی که منجر به جرایم بین‌المللی می‌شوند؛ نظیر جرم جنگی یا جنایت علیه بشریت، قابلیت مجازات شدن در سطح نظام کیفری بین‌المللی را دارا هستند. از سوی دیگر دولت‌ها اصولاً بابت اعمال اشخاص خصوصی مسئول نمی‌باشند. ملاحظه می‌شود در این جا یک خلاء حقوقی وجود دارد که مؤید ضرورت مستقیماً مخاطب قرار دادن گروه‌های مسلح غیردولتی در هنگام نقض تعهدات بین‌المللی آن‌ها توسط آن‌ها می‌باشد. نتیجه‌ی چنین رویکردی ضرورت مسئول قلمداد نمودن احتمالی گروه‌های مذکور به لحاظ بین‌المللی است که در عین حال رفع کننده‌ی خلاء حقوقی مورد بحث نیز می‌باشد.^{۴۳}

³⁸Ibid.

³⁹ Gal-Or, Noemi et al, *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, chapter 14, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015), at 210, doi: https://doi.org/10.1163/9789004293632_001

⁴⁰ Collectivity

⁴¹ Zegveld, *op. cit.* at 49

⁴² Sassòli, "Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law". at 101

⁴³ Murry, *op.cit.* at 17-20

حال که ضرورت مسئول قلمداد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی به لحاظ بین‌المللی تبیین گردید، نوبت به مذاقه در منابع حقوق بین‌الملل در خصوص مبانی مسئولیت بین‌المللی موجودیت‌های مذکور می‌رسد. در این راستا، مطالعه‌ی مواد طرح مسئولیت دولت‌ها برای ارتکاب اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی، نشان می‌دهد که کمیسیون حقوق بین‌الملل بر آن بوده است که رفتار گروه‌های معینی از گروه‌های مسلح غیردولتی را مشمول قواعد رژیم ثانویه‌ی مسئولیت بین‌المللی به نحو منعکس در طرح مذکور بداند؛ یعنی مشخصاً گروه‌های شورشی که در نهایت موفق به تشکیل دولت جدید می‌شوند. در دکترین از گروه‌های شورشی مذکور به عنوان «دولت در حال شکوفایی» نام برده می‌شود.^{۴۴} ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چنین اشعار می‌دارد که رفتار یک جنبش، اعم از شورشی یا غیرشورشی، که منجر به تأسیس یک دولت در بخشی از قلمرو دولت سابقاً موجود یا در قلمرو تحت اداره‌ی آن می‌شود، رفتار دولت جدید به موجب حقوق بین‌الملل است. در راستای تبیین معنا و تنویر عبارت جنبش شورشی یا غیر آن، نظریه‌پردازان در پاراگراف ۹ ذیل ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیتاز پروتکل الحاقی شماره دو به عنوان یک راهنمای تعریفی نام می‌برد.^{۴۵}

از حیث مسئولیت گروه‌های مسلح غیردولتی مشمول ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت، کمیسیون حقوق بین‌الملل به یادآوری این نکته می‌پردازد که در عین حالی که موضوع طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است، اما این احتمال وجود دارد که جنبش شورشی به دلیل رفتارش، مثلاً نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط نیروهایش، به موجب حقوق بین‌الملل مسئول قلمداد گردد،^{۴۶} اما این فرض مربوط به زمانی است که جنبش مذکور، قدرت را به دست بیاورد و جایگزین دولت در قلمرو جغرافیایی شود و به عنوان یک دولت برای اعمالی که پیش‌تر به عنوان گروه مسلح غیردولتی مرتکب شده بود، مسئول قلمداد شود. این دیدگاه توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ ذیل ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ مورد تأکید قرار گرفته است.^{۴۷} پروفسور آگو دیدگاه مذکور را با اشاره به مفهوم پیوستگی میان جنبش شورشی و دولت

^{۴۴} سید قاسم زمانی، «تقریرات درس مسئولیت بین‌المللی»، مقطع دکتری، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، (نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶)

^{۴۵} کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ص ۱۰۸-۱۱۰

^{۴۶}Jean D'Aspremont, "Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents." *The International and Comparative Law Quarterly* 58, no. 2, (2009), at 420, Available at: <http://www.jstor.org/stable/20488297>, Last visited July 20, 2022

^{۴۷} ICRC, "Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field", (2016), para. 890, Available at: <https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B>, Last visited July 20,2022

محصول اقدامات آن گروه توضیح می‌دهد. وی بیان می‌دارد که اقدامات، توسط ارگان‌های جنبش ارتکاب یافته است و جنبش به دولت جدید حیات بخشیده است.^{۴۸}

واقعیت آن است که قاعده‌ی مندرج در ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برخی تصمیمات داوری اتخاذ شده طی نیمه‌ی اول قرن ۲۰ میلادی اعمال شده است، اما رویه‌ی دولت‌ها یا گروه‌های مسلح غیردولتی به نحو مطلوبی حاکی از تأکید و تأیید ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت نمی‌باشد. بنابراین روشن می‌شود که ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت در پرداختن به رویه‌ی دنیای واقعی و اقدامات گروه‌های مسلح غیردولتی چندان موفق نبوده است و موثر بودن آن می‌تواند محل تردید باشد.^{۴۹}

با اشاره به آنچه بیان شد، ملاحظه می‌شود که در بحث راجع به مبانی نظری امکان در نظر گرفتن مسئولیت بین‌المللی برای گروه‌های مسلح غیردولتی می‌بایست به دنبال چارچوبی به غیر از ماده‌ی ۱۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بود. اما پیش از پذیرش امکان در نظر گرفتن رژیم حقوقی از جنس قواعد ثانویه بر گروه‌های مذکور، ابتدا می‌بایست قواعد احتمالی از جنس حقوق آینده‌ی قابل اعمال بر رفتار گروه‌های مسلح غیردولتی را روشن ساخت. در هنگام پرداختن به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، همواره از دو عنصر انتساب و عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی یاد می‌شود. طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، از انتساب به عنوان معیار تشخیص و تمییز شرایطی یاد می‌کند که در آن، «رفتاری شامل فعل یا ترک فعل یا مجموعه‌ای از فعل‌ها و ترک فعل‌ها به عنوان رفتار دولت تلقی می‌شود.» اما در نظریه‌ی مورد بحث، از انتساب به عنوان یک عامل ارتباط دهنده‌ی عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی به یک گروه مسلحانه‌ی غیردولتی یاد می‌شود. معمولاً بسته به سازمان‌دهی گروه، انتساب یک نقض تعهد بین‌المللی همواره عمل سهل و آسانی نمی‌باشد، چرا که در عرصه‌ی بین‌المللی، طیف وسیعی از گروه‌های مسلح غیردولتی با ویژگی متفاوت مشغول به فعالیت و نقش‌آفرینی هستند.^{۵۰} اما در عین حال این نکته مورد تأکید قرار گرفته

⁴⁸ R. Ago, "Fourth Report on State Responsibility", Yearbook of the International Law Commission, Vol. II, 131-132, (1972), at 141, Available at: <http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_264.pdf>, Last visited March 10, 2022

⁴⁹ برای مطالعه‌ی بیشتر در زمینه بنگرید به:

سید علی حسینی آزاد، «مسئولیت گروه‌های نظامی غیر دولتی در قبال نقض حقوق بشر در پرتو بیانیه‌ی مشترک مخبران مستقل حقوق بشر ملل متحد»، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (اردیبهشت ۱۴۰۰)،

Available at: <<http://unstudied.ir>>, Last visited September 18, 2022

⁵⁰ Veronika Bílková, *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law? In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015), at 315, doi: https://doi.org/10.1163/9789004293632_014

است که گروه‌های مسلح مخالف می‌بایست عهده‌دار مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه‌ی ارتكابی توسط ارگان‌ها یا اعضای خود باشند.^{۵۱}

البته رویه‌ی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در این خصوص مشدد و مبهم است. کمیته، در مطالعات عرفی خود در سال ۲۰۰۵، گروه‌های مسلح غیردولتی را به جهت اقدامات ارتكابی توسط اشخاص تشکیل دهنده‌ی گروه دارای مسئولیت می‌داند،^{۵۲} اما در نظریه‌ی تفسیری راجع به ماده‌ی ۳ مشترک، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ چنین اشعار داشته است که موضع حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت گروه‌های مسلح غیردولتی به عنوان یک موجودیت در نوع خودش برای اعمال ارتكاب یافته توسط اعضای گروه نامشخص است.^{۵۳} در این راستا، برخی از اندیشمندان در دکتترین چنین استدلال کرده‌اند که هرچه قدر سازماندهی گروه مسلح غیردولتی بیشتر و کنترل آن بر قلمرو سرزمینی با ثبات‌تر باشد، مانند آنچه در بحران یمن و به ویژه در خصوص جنبش انصارالله و سپس شورای انتقالی جنوب دیده می‌شود، قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به صورت کارآمدتر اعمال می‌شوند. با ملاحظه‌ی مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که یک گروه مسلح غیر دولتی که بسیار سازماندهی شده و دارای کنترل طولانی مدت بر بخشی از قلمرو کشور است و هم‌چنین دارای نهادهایی شبیه به دولت^{۵۴} می‌باشد، ممکن است به موجب قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی مسئول قلمداد شود.^{۵۵} در این خصوص در دکتترین چنین استدلال شده است که در مواردی که در غیاب یک دولت کارآمد و منجسم، گروه مسلح غیردولتی عهده‌دار کارکردهای حاکمیتی گردیده است و عملکردی دولت‌گونه دارد، می‌توان از ماده‌ی ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به منظور پر کردن خلاء حقوقی مسئولیتی بهره‌مند شد. به واقع مطابق این رویکرد، مواردی وجود دارد که گروه مسلح غیردولتی در بازه‌ی زمانی است که هنوز وضعیت شکست یا پیروزی آن در مخاصمه مشخص نشده است، ولی در عین حال به دلیل وجود دولت مرکزی ناتوان ایفاگر برخی اعمال حاکمیتی می‌باشد که این موضوع به گروه مسلح مذکور هویتی

⁵¹Sassoli, *op. cit.* at 50

^{۵۲} هنکرتز و لوئیس، همان، ص ۶۱-۶۵

⁵³ICRC, *op. cit.* para. 892.

^{۵۴} در بحث پیش رو منظور از نهاد شبه دولت گروه‌های مسلح غیر دولتی هستند که در فقدان دولت مرکزی مقتدر در حال اعمال اقتدارات حاکمیتی با لحاظ مقتضیات ماده‌ی ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد. در بخش بعدی به این مفهوم بیشتر پرداخته می‌شود.

⁵⁵Dominic O'sullivan, "Sovereignty." "We Are All Here to Stay": Citizenship, Sovereignty and the UN Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, 1st ed., ANU Press, (2020), at 160, JSTOR, <https://doi.org/10.2307/j.ctv186grnt.12>, Last Accessed on August 5, 2022

دولت‌گونه و دو فاکتو بخشیده است. این موضوع سبب می‌شود اقدامات مذکور در قالب ماده‌ی ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی قابل بررسی باشد.^{۵۶}

۳- در تحلیل وقایع یمن

تدقیق در وقایع طی ۸ سال اخیر در یمن، حاکی وجود مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی شامل مخاصمه میان طرفداران منصور هادی با حوثی‌ها، القاعده در شبه جزیره‌ی عربی و شورای انتقالی جنوبی^{۵۷} و در عین حال مخاصمه میان گروه‌های مسلح غیردولتی نام برده شده با یکدیگر^{۵۸} و نیز مداخله‌ی نظامی خارجی با محوریت عربستان به دعوت منصور هادی علیه انصارالله^{۵۹} می‌باشد.

⁵⁶ *Ibid.*

^{۵۷} به طور خلاصه، طرف‌های عمده مخاصمه در یمن عبارت اند از:

۱. جنبش انصارالله که با نام حوثی‌ها نیز شناخته می‌شوند: این گروه، مبارزان جنبش مقاومت یمن هستند که نام خود را از حسین بدرالدین الحوثی وام گرفته اند. مقر آنها در منطقه شمالی سعه به عنوان منطقه ای عمدتاً شیعه زیدی است.
۲. شورای انتقالی جنوبی: این گروه در مارس ۲۰۱۷ توسط ایدروز الزیدی فرمان‌دار سابق عدن که بزرگ‌ترین شهر در جنوب یمن است تأسیس شد. شورای انتقالی جنوبی با بهره‌مندی از سازمان یافتگی و تسلط بر عمده‌ی مناطق جنوبی یمن به دنبال استقلال جنوب یمن است. تأسیس این شورا ریشه در واکنش به شکست منصور هادی در اداره‌ی قسمت جنوبی یمن دارد.
۳. منصور هادی: رئیس دولت مستعفی یمن که قبلاً معاون اول علی عبدالله صالح بود و در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور انتقالی یمن شد؛ اما در ژانویه ۲۰۱۵ و در پی خیزش مردمی استعفا کرد و به منظور فرار از بازداشت به عدن گریخت و در آنجا به سازماندهی حامیان خود پرداخت.
۴. القاعده در شبه جزیره عربی: سازمان مجاهدان مسلمان که ابتدا در عربستان و یمن فعال بود و سپس با گروه‌های القاعده یمن و عربستان در ژانویه ۲۰۰۹ ادغام شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Qureshi, *op.cit.* at 14;

شارق، زهراسادات و محمدی مطلق، علیرضا، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، (زمستان ۱۳۹۵)، صص ۱۷۵-۱۷۶

^{۵۸} توضیح در این خصوص آن که، نخستین مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی در یمن، مربوط به درگیری میان طرفداران منصور هادی و حوثی‌ها می‌باشد. طی سال ۲۰۱۵ میلادی، حوثی‌ها موفق شدند کنترل شهر صنعا پایتخت یمن را در دست بگیرند. از سوی دیگر بر مبنای دعوت دولت منصور هادی، ائتلافی بین‌المللی به سرکردگی عربستان سعودی از مارس ۲۰۱۵ در حال مداخله در این کشور با هدف تضعیف قدرت حوثی‌ها است؛ مخاصمه‌ای که چه بسا بتوان ادعا نمود به دلیل تغییر ماهیت گروه انصارالله و مبدل شدن آن به یک نیروی دوفاکتو از حالت غیر بین‌المللی به بین‌المللی شده تبدیل شده است. دومین مخاصمه‌ی غیر بین‌المللی در یمن، مربوط

به درگیری طرفداران منصور هادی با گروه مسلح غیر دولتی القاعده در منطقه‌ی شبه جزیره‌ی عربی است. سومین مخاصمه‌ی غیر بین‌المللی میان گروه مسلح غیر دولتی القاعده و انصارالله علیه یکدیگر در منطقه‌ی شبه جزیره‌ی عربی می‌باشد. چهارمین مخاصمه‌ی مسلحانه غیر بین‌المللی میان شورای انتقالی جنوبی و دولت منصور هادی از بدو تأسیس این شورا در سال ۲۰۱۷ تاکنون بوده است. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Marco Sassoli, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules", *Iranian Journal of International and Comparative Law*, no. 1, vol 1, at 3-4, (2023), -. doi: 10.22091/ijicl.2022.7647.1004

^{۹۰} حسب تعریف ارائه شده در ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و نیز پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون‌های ژنو در سال ۱۹۷۷ مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی مخاصماتی هستند که بر خلاف مخاصمات بین‌المللی میان دولت‌ها صورت نمی‌گیرند، بلکه چنین مخاصماتی در قلمرو یک دولت میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیر دولتی مخالف و یا میان خود این گروه‌ها در یک مدت زمان متعارف رخ می‌دهند. گروه‌های مسلح غیر دولتی می‌بایست سازمان‌یافته باشند و ضمن برخورداری از وجود فرماندهی مسئول بر بخشی از قلمرو ارضی کنترل داشته باشند.

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

آرامش شهبازی و پویا برلیان، "مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه‌ی غیربین‌المللی: تأملی در بحران یمن"، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۴۲، (۱۳۹۷)، صص: ۳-۴

هم‌چنین مفهوم مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده در وضعیت‌های زیر قابل تحقق است:

حالت نخست مربوط به در انتساب اعمال گروه مسلح غیردولتی به دولت خارجی می‌باشد. دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ از این نظریه پشتیبانی کرد که اگر اعمال گروه مسلح غیردولتی به دولتی منتسب شود چنین مخاصمه مسلحانه‌ی بین‌المللی خواهد شد و گروه مزبور به عنوان عامل بالفعل دولت حامی تلقی خواهد شد. در چنین حالتی در صورتیکه دولت سرزمینی مقرر چنین گروه‌هایی دست به حمایت و پشتیبانی موثر از گروه‌های مذکور زده باشد و دولت آسیب دیده به ناچار اقدام به حمله نظامی علیه دولت حامی با استناد به دفاع مشروع بر مبنای ماده ۵۱ منشور ملل متحد کند مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی مزبور از این مخاصمه به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده یاد می‌شود. حالت دوم شامل مواردی است که دولت خارجی وارد مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی شود. بدین ترتیب که در مواردی که دولتی در حال مبارزه با گروه‌های غیردولتی داخل در سرزمین خود باشد چنانچه با مداخله نظامی دولت خارجی در حمایت از بازیگران غیردولتی مواجه شود، وضعیت مخاصمه از مخاصمه‌ی مسلحانه غیربین‌المللی به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی شده تغییر ماهیت می‌دهد. حالت سوم مربوط به فرضی است که وضعیت حقوقی گروه مسلح غیردولتی در اثنای مخاصمه دستخوش تغییر ماهیت شود. به عبارت دیگر، اگر طرفی که کنترل بخش عمده‌ی سرزمین محل مخاصمه را به عهده دارد تغییر ماهیت دهد و مثلاً تبدیل به دولت مورد شناسایی شود، وضعیت از مخاصمه غیربین‌المللی به مخاصمه بین‌المللی شده تغییر می‌یابد.

برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

مطابق آنچه بیان گردید یکی از مواردی که امروزه موضوع گروه‌های مسلح غیر دولت را تبدیل به مسئله‌ای مهم نموده است مربوط به درگیری‌های یمن و نقش گروه‌های مسلح غیر دولتی در بحران این کشور است.^{۶۰} با سپری شدن چندین سال از آغاز مداخله‌ی نظامی با محوریت عربستان، ادعای منصور هادی برای داشتن مشروعیت بیشتر تضعیف شده است، به ویژه وقتی ملاحظه می‌شود که معیار کنترل موثر بر قلمرو و جمعیت از اهمیت زیادی برخوردار است و منصور هادی، علی‌رغم عملیات نظامی فشرده، نتوانسته است اقتدار خود را اعاده نماید.^{۶۱} به واقع بررسی شرایط چند سال اخیر یمن نشانگر آن است که وضعیت یمن شرایطی منحصر به فرد است، زیرا دولتی وجود دارد که به علت مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی به لحاظ اقتدار و حاکمیت دچار چندپارگی شده است. به علاوه قوه‌ی مجریه‌ی دولت ادعایی منصور هادی فاقد کنترل واقعی بر سرزمین، جمعیت و دولت است و مداخله‌ی نظامی خارجی صورت پذیرفته که ادعا می‌شود بر مبنای رضایت دولت است؛ مداخله‌ای علی‌الظاهر مبتنی بر رضایت اولیه‌ای که بر مبنای دلایلی می‌توان ادعا نمود، حداقل در ادامه، مشروعیت و قانونمندی خود را از دست داده است و مبدل به مخاصمه‌ای از نوع بین‌المللی شده است.^{۶۲}

حسن صیادی و سید یاسر ضیایی، «ماهیت حقوقی مخاصمات مسلحانه فراملی: در حکم مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»، ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره ۴، (زمستان ۱۴۰۰)، صص: ۱۱۰۴-۱۱۰۵

^{۶۰} فضائلی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، (بهار ۱۳۹۵)، ص ۲

⁶¹ Paul R. Williams, *et al.* "A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government", *Utrecht Journal of International and European Law*, volume 4, (2017), at 5-6, Available at: https://digitalcommons.wcl.american.edu/facsch_lawrev/613, last visited August 5, 2022

^{۶۲} به واقع بحثی که در این خصوص مطرح است آن است که آیا تحولاتی که به دنبال اقدامات ائتلاف با محوریت عربستان اتفاق افتاد و منجر به نقض‌های عدیده‌ی قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در یمن گردید، تأثیری بر روی قانونی بودن رضایت اولیه‌ی منصور هادی به مداخله دارد؟ پاسخ آن است که اگرچه ابراز رضایت عملی واحد است، اما رضایت می‌بایست در طول مدت مداخله معتبر باقی بماند. هم‌چنین قلمرو و وسایل مداخله نیز می‌بایست در طول زمان و از منظر حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی واقع شوند. بنابراین ملاحظه می‌شود هنگامی که مداخله مبتنی بر رضایت طرفین، پس از گذشت مدت زمانی، قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل، و در بحث پیش رو در بخش حق در جنگ، را نقض می‌کند و به نظام امنیت جمعی صدمه وارد می‌سازد، در راستای هر جزئی از دولت، حتی اگر رضایت اولیه به مداخله، موجه و مشروع باشد، در ادامه، چنین رضایتی به موجب حقوق بین‌الملل محکوم به بی‌اعتباری می‌گردد. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه بنگرید به:

Anthony H. Cordesman, "The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War", *Center for Strategic and*

تدقیق در وقایع رخ داده در یمن طی چند سال گذشته نشان می‌دهد در همان آغاز درگیری‌ها اجتماع و هیأت سیاسی تشکیل دهنده‌ی دولت منصور هادی انتقالی دچار نقص گردید و قوه‌ی مجریه قادر به نمایندگی کل جمعیت خود نبود. در این راستا، گروه مسلح غیردولت انصارالله قادر شد تا میزان و حد مشخصی از ظرفیت و توانایی اداره کردن قلمرو تحت کنترل خود را از طریق ارائه ساختار سیاسی و سازمانی خود با عنوان دولت نجات ملی^{۶۳} که مجهز به چارت سازمانی و وزارت خانه‌هایی است و هم‌چنین نماینده بودن خود و ظرفیت و توانایی ایفا نمودن تعهدات داخلی و بین‌المللی و نیز هم‌گام بودن با برخی استانداردهای بین‌المللی را از رهگذر اعلام صریح رضایت خود مبنی بر پایبند بودن به تعداد قابل توجهی از اسناد بین‌المللی نشان بدهد^{۶۴}؛ امری که می‌تواند بر مبنای نظریه‌ی اعلام رضایت گروه مسلح غیر دولت به ملتزم تلقی شدن به قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه توجیه شود.

بنابراین ملاحظه می‌شود در غیاب یک دولت کارآمد و منجسم، گروه مسلح غیردولتی انصارالله در عمل عهده‌دار کارکردهای حاکمیتی گردیده و عملکردی دولت‌گونه داشته است. حمایت جمعیت محلی از جنبش انصارالله نیز حاکی از کارکرد مثبت این گروه در کسب مشروعیت به عنوان یک قدرت عمومی است.^{۶۵} از طرف دیگر، شورای انتقالی جنوبی نیز در جنوب یمن توانسته است با اتکا بر سازمان یافتگی و نیز تعریف بخش‌های دولت‌گونه برای خود بر بخش‌های مهمی از این قسمت تسلط پیدا کند و عناصر حاکمیتی را به صورت دو فاکتو اعمال نماید.^{۶۶}

حسب آنچه بیان شد، می‌توان ادعا نمود جنبش انصارالله در شمال یمن و شورای انتقالی جنوبی در جنوب یمن به سبب حصول ویژگی‌هایی نظیر سازمان‌دهی و داشتن کنترل واقعی در بخش‌هایی از سرزمین یمن در شرایط مخاصمات مسلحانه‌ی غیربین‌المللی متعدد موفق به ایفا نمودن عملکردهای حاکمیتی شده‌اند و این امر باعث شده است گروه‌های مذکور از شخصیت حقوقی بین‌المللی نسبتاً جامعی برخوردار گردند؛^{۶۷} امری که باعث می‌گردد بتوان مبنای پایبندی آن‌ها به قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را به موجب نظریه‌ی اعمال کارکردهای حاکمیتی توسط گروه مسلح غیر دولت به صورت دو فاکتو توجیه نمود. هم‌چنین با توجه به وجود مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی میان هر یک از گروه‌های مذکور با

International Studies (CSIS), volume 6, Number 4, (2017), at 79-80, <http://www.jstor.org/stable/resrep23274>, Last visited August 5, 2022

⁶³ The National Salvation Government

⁶⁴ Darwich May, "The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status." *International Journal of Politics, Culture, and Society*, volume 17, no. 2, (2018), at 90, <http://www.jstor.org/stable/26390311>, last visited August 5, 2022,

⁶⁵ *Ibid.* at 91

⁶⁶ Center for Preventive Action, "War in Yemen", on line article, (2023), Available at: <https://www.cfr.org/global-conflict-tracker/conflict/war-yemen>, last visited July 31, 2023

⁶⁷ Sassoli, "Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules", at 5

یکدیگر و نیز علیه نیروهای وابسته به رییس جمهور ادعایی یمن، منصور هادی، می‌توان از نظریه‌ی اصل برابری متخاصمان نیز به عنوان مبنای پایبندی به قواعد حوزه‌ی حقوق جنگ^{۶۸} نام برد.

از سوی دیگر می‌توان عملکرد گروه انصارالله در مقابل ائتلاف نظامی خارجی با محوریت عربستان را در قالب ماده‌ی ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز بررسی نمود که مطابق آن، رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، در بحث پیش رو رفتار جنبش انصارالله، که در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات رسمی اقدام به اعمال برخی عناصر حاکمیتی می‌نماید، به موجب حقوق بین‌الملل رفتار دولت تلقی می‌گردد.^{۶۹} ملاحظه می‌شود که حوزه و سیطره‌ی این مقرر، دقیقاً دربرگیرنده‌ی پاسخ به شرایط قیام همگانی در مواجهه با شرایط استثنایی نظیر انقلاب‌ها از جمله خیزش سراسری در یمن است؛ شرایطی که در آن مقامات با کارکردهای سابقاً منظم منحل می‌شوند، متلاشی می‌شوند، سرکوب می‌شوند یا برای مقطع زمانی از کار می‌افتند.^{۷۰} در این راستا و برای آن که حسب ماده‌ی ۹، رفتار مذکور رفتار دولت قلمداد شود، اولاً رفتار می‌بایست مرتبط با اعمال نمودن اقتدارات دولتی باشد. ثانیاً رفتار می‌بایست در غیاب یا در صورت قصور و کوتاهی مقامات دولتی انجام گردد، ثالثاً شرایط می‌بایست استثنایی باشد. شرط نخست، عمدتاً بر اساس طبیعت عمل و نه ارتباط رسمی با دولت تعیین می‌گردد. شرط دوم پوشش دهنده و شامل قصور و ناتوانی دولت در هر دو سطح کلی یا جزئی است. هم‌چنین، شرط سوم به اصل ضرورت اشاره می‌کند که می‌تواند در معنای توجیه اقتدارات دولتی توسط گروه‌های مسلح غیر دولت به کار برود.^{۷۱} به واقع، ماده‌ی ۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، منجر به حذف خلاء میان رفتار دولت و گروه مسلح غیردولتی می‌شود و چنین استدلال می‌کند که در شرایط اضطراری، این امکان وجود دارد که مقامات دولتی نه لزوماً با یک مقام دولتی جدید بلکه با گروه مسلح غیردولتی که به صورت دوفاکتو در حال اقدام به نام دولت است، جایگزین شوند؛^{۷۲} گروه مسلح غیر دولتی که رفتار آن در پرتو اثبات ملتزم تلقی شدن آن به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حوزه‌ی قواعد ثانویه قابل رصد و بررسی است.

⁶⁸ Jus in bello

^{۶۹} کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، صص ۷۴-۷۵

⁷⁰ Darrell A. H. Miller, "SELF-DEFENSE, DEFENSE OF OTHERS, AND THE STATE", *Law and Contemporary Problems*, volume 80, Number 2, (2021), at 90, JSTOR, <http://www.jstor.org/stable/45019998>, , last visited August 5, 2022,

^{۷۱} کمیسیون حقوق بین‌الملل، همان، ص ۶۰.

⁷² Miller, *op.cit.*, at 91

نتیجه‌گیری

تدقیق و تبیین در نظریه‌های راجع به چرایی و چگونگی پابند تلقی شدن گروه‌های مسلح غیر دولتی به قواعد حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در فضای در حال رشد مخاصمات مسلحانه یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بوده است که در چند دهه‌ی اخیر پیش روی جامعه‌ی بین‌المللی واقع شده است. از میان نظریه‌های گوناگون مطروحه در این زمینه بنظر می‌رسد مبنای استدلالی نظریه‌ی پابندی گروه مسلح غیردولتی به قوانین بین‌المللی به دلیل ایفای برخی عناصر حاکمیتی توسط گروه مسلح غیردولتی از بن مایه‌ی واقع‌گرایانه‌تری نسبت به سایر نظریه‌ها برخوردار باشد، چراکه در این نظریه عنصر سازمان یافتگی گروه مسلح غیردولتی و کنترل بر قلمرو از اهمیت فرائانی برخوردار است و در عین حال می‌تواند تحت شرایطی منشا اثر از حیث مسئولیت بین‌المللی نیز واقع شود. واقعیت آن است که پیشرفت و ارتقاء شفافیت هر چه بیشتر قواعد راجع به یک تابع فعال حقوق بین‌الملل ممکن است دربرگیرنده‌ی سطوح بالاتری از احترام به قواعد باشد. با تدقیق در قواعد هنجاری روشن می‌شود که گروه‌های مسلح غیر دولتی به مثابه‌ی موجودیت‌های ناشناخته‌ای در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل تلقی نمی‌شوند، بلکه برعکس مسائل حقوقی مربوط به این موجودیت‌ها، به دلیل تنوع گسترده و اهمیت آن‌ها به سبب نقش آفرینی‌های وسیع در عرصه‌ی جامعه‌ی بین‌الملل در ابعاد و حوزه‌های گوناگون، ولو به صورت محدود در حال قاعده‌مند سازی شدن هستند. از سوی دیگر واقعیت از منظر نظامی و بشردوستانه مؤید این یافته است که گروه‌های مسلح غیردولت می‌بایست به عنوان اجرا کنندگان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی تلقی شوند که در عین حال این قواعد متعلق به خود آنان نیز هست و نه حقوقی صرفاً ساخته و پرداخته و منبعث از رویه‌ی دولت‌ها. اتخاذ چنین رویکردی سبب می‌شود بتوان بر مبنای بررسی مورد به مورد و با لحاظ معیارهای مطروحه در نظریه‌های مربوط به لزوم پابندی گروه‌های مسلح غیر دولت به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی از مسئولیت بین‌المللی گروه مذکور سخن به میان آورد. در این راستا، اشاره به این نکته ضروری است حقوق بین‌الملل به شدت توسعه نیافته است و در عین حال از ماهیت پویا و منعطفی برخوردار است. به همین سبب عمده‌ی تمرکز در این نوشتار بر ارائه‌ی نظریاتی روشن‌گرایانه از حقوق بین‌الملل بوده است. در همین راستا، تنویر دیدگاه‌های راجع به لزوم رعایت قواعد بشردوستانه توسط گروه‌های مسلح غیر دولتی و اثر آن در قلمرو قواعد ثانویه بخش مهمی از فرآیند درک و فهم نظری حقوقی بین‌المللی را ایفا می‌سازد.

کتابها

۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲).
۲. کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی دولت، ترجمه‌ی علیرضا ابراهیم گل، چاپ یازدهم، (تهران، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸).
۳. ممتاز، جمشید و امیرحسین رنجبریان، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمه مسلحانه داخلی، چاپ دوم، (تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۳).
۴. هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک لوئیس، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه‌ی دفتر ترجمه‌ی امور بین‌الملل قوه‌ی قضائیه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷).

مقالات

۵. توکلی طبسی، علی و منصوری، فرنگیس، «تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره‌ی ۳۲، شماره ۵۲، (بهار-تابستان ۱۳۹۴).
۶. حسینی آزاد، سید علی، «مسئولیت گروه‌های نظامی غیر دولتی در قبال نقض حقوق بشر در پرتو بیانیه‌ی مشترک مخبران مستقل حقوق بشر ملل متحد»، تالار گفتگوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین‌المللی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، (۱۴۰۰).

Available at: <<http://unstudied.ir>>, last visited September 2022

۷. خلف رضایی، حسین، «گروه‌های مسلح فراملی و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره‌ی ۳۶، شماره ۶۱، (۱۳۹۸).
۸. زمانی، سید قاسم، «تقریرات درس مسئولیت بین‌المللی»، مقطع دکتری، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، (نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶).
۹. شارق، زهراسادات و محمدی مطلق، علیرضا، «مسئولیت بین‌المللی کشورهای عضو ائتلاف در مخاصمه یمن در پرتو بین‌المللی شدن مخاصمه»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره سی و سوم، (۱۳۹۵).
۱۰. شهبازی، آرامش و پویا برلیان، «مشروعیت‌سنجی مداخله دولت خارجی در مخاصمه‌ی غیربین‌المللی: تأملی در بحران یمن»، موسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۴۲، (۱۳۹۷).
۱۱. فضایی، مصطفی، «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره یک، (۱۳۹۵).

۱۲. کرم زاده، سیامک و بهرام مرادیان، «بررسی مبانی رعایت قواعد بشردوستانه توسط گروه های غیردولتی، از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین المللی؛ مطالعه موردی وضعیت عراق و سوریه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره سوم، (۱۳۹۵).

۱۳. منصوری، فرنگیس، «بررسی مبانی حقوقی و نظری تعهدات گروه‌های مسلح معارض در مخاصمات داخلی»، مجله‌ی تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، (۱۳۹۷).

English resources

Books:

14. Annyssa, Bellal, *Establishing the Direct Responsibility of Non-State Armed Groups for Violations of International Norms: Issues of Attribution*, In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015),
15. Bílková, Veronika, *Establishing Direct Responsibility of Armed Opposition Groups for Violations of International Humanitarian Law?*, In Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015),
16. International Law Commission, *International Responsibility of the States*, Translated by Alireza Ebrahim Gol, 11th edition, (Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research, 2018). [In Persian]
17. Henkertz, Jean-Marie and Doswaldbek Louis, *International Customary Humanitarian Law*, Translated by International Affairs Translation Office of the Judiciary and the International Committee of the Red Cross, (Tehran: Majd Publications, 2007). [In Persian]
18. Lauterpacht, Hersch, *The Subjects of International Law*, in E. Lauterpacht (ed.), *International Law. Being the Collected Papers of Hersch Lauterpacht*, Volume I: The General Works, (Cambridge: Cambridge University Press, 2009)
19. Meron, Theodor, *The humanization of international law, Hague Academy of International Law Monographs*, (Cambridge, Cambridge University Press, 2008).
20. Moir, L., *The Law of Internal Armed Conflict*, Cambridge Studies in International and Comparative Law, (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).
21. Momtaz, Jamshid and Amirhossein, Ranjbarian, *International Humanitarian Law: non International Armed Conflicts*, second edition, (Tehran: Mizan Publications, 2013). [In Persian]
22. Noemi, Gal-Or, et al, *Responsibilities of the Non-State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, chapter 14, (The Netherlands: Brill, Nijhoff, 2015),
23. Sivakumaran, Sandesh, *The Law of Non-International Armed Conflict*, (London: Oxford University Press, 2012), Available at: < <https://www.corteidh.or.cr/tablas/31035.pdf>>, Last visited July 10, 2022.
24. Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *International Humanitarian Law*, (Tehran: Ganj Danesh Publications, 2012). [In Persian]
25. Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *Laws of War*, (Tehran: Allameh Tabatabai University Publications, 2013). [In Persian]

Articles:

26. Ana Dols García, “Armed groups, IHL and the invisible world: How spiritual beliefs shape warfare”. *International Review of the Red Cross*, Volume 102, Number 915, (2020).
27. Ago, R., “Fourth Report on State Responsibility”, *Yearbook of the International Law Commission*, Vol. II, 131-132, (1972), Available at: <http://legal.un.org/ilc/documentation/english/a_cn4_264.pdf ,Last visited March 10,2022
28. Ahlborn, Christiane, “The Rules of International Organizations and the Law of International Responsibility”, *Amsterdam Center for International Law, University of Amsterdam, SHARES Research Paper 02, ACIL 2011-03*, (2011), Available at: www.sharesproject.nl, Last visited March 25, 2022.
29. Bangerter, Olivier, “Reasons why armed groups choose to respect international humanitarian law or not”, *International Review of Red cross*, Volume 93, Number 882, (2011),
30. Cassese, A., “The Status of Rebels under the 1977 Geneva Protocols on Non-International Armed Conflicts”, *30th International and Comparative Law Quarterly*, (1981).
31. Clapham, Andrew, “The Rights and Responsibilities of Armed Non-State Actors: The Legal Landscape & Issues Surrounding Engagement”, *Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights*, (2010), Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1569636>, Last visited July 20, 2022.
32. Cordesman, Anthony H. “The War in Yemen: Hard Choices in a Hard War”, *Center for Strategic and International Studies (CSIS)*, volume 6,Number 4, 2017, pp. 79-80, <http://www.jstor.org/stable/resrep23274>, Last visited August 5, 2022.
33. Cunningham, David E. et al, “Non-State Actors in Civil Wars: A New Dataset.” *Conflict Management and Peace Science* 30, no. 5, (2013),
34. D'Amato, Anthony, “A Few Steps Toward an Explanatory Theory of International Law”, *7 Santa Clara Journal of International Law* 1, *NORTHWESTERN UNIVERSITY SCHOOL OF LAW PUBLIC LAW AND LEGAL THEORY RESEARCH PAPER SERIES*, NO. 10–58, (2010), at 90, Available at <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/facultyworkingpapers/90>, Last visited July 11, 2022
35. D’Aspremont, Jean, “Rebellion and State Responsibility: Wrongdoing by Democratically Elected Insurgents.” *The International and Comparative Law Quarterly* 58, no. 2, (2009), Available at: <http://www.jstor.org/stable/20488297>, Last visited July 20, 2022.
36. Fazaeli, Mustafa, “Military intervention in Yemen from the perspective of international law”, *Public Law Studies Quarterly*, Volume 46, no.1, (2016), [In Persian]
37. Heffes, E., “The Establishment of Courts by Organized Non-State Armed Groups in Light of the Principle of Equality of Belligerents”, *18th Yearbook of International Humanitarian Law*, (2015), Available at:<
https://www.academia.edu/35137645/Generating_Respect_for_International_Humanitarian_Law_The_Establishment_of_Courts_by_Organized_Non_State_Armed_Groups_in_Light_of_the_Pri

nciple of Equality of Belligerents Yearbook of International Humanitarian Law 18 2015 2 016>, Last visited March 5, 2022.

38. Hosseini Azad, Seyed Ali, “Responsibility of non-governmental military groups for human rights violations in the light of the joint statement of the United Nations independent human rights informants”, Iranian Association's International Legal and Political Forum United Nations Studies, (1400), Available at: <<http://unstudied.ir>>, Last visited September 2022. [In Persian]
39. Hyeran, Jo, “Compliant Rebels. Rebel Groups and International Law in World Politics”, International Review of the Red Cross, NO. 98. (2016),
40. Karamzadeh, Siamak and Moradian, Bahram, “Investigation of the principles of compliance with humanitarian rules by non-state groups, from the perspective of Islam and international humanitarian law; A case study of the situation in Iraq and Syria”, Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Law, third year, no.3, (2015). [In Persian]
41. Khalaf Rezaei, Hossein, “Transnational Armed Groups and Implementation of International Humanitarian Law”, International Legal Journal, Volume 36, no.61, (2016). [In Persian]
42. Kleffner, Jann K., “The applicability of international humanitarian law to organized armed groups”, International Review of the Red Cross, Volume 93 Number 882, (2011),
43. Mansouri, Farangis, “Investigation of the legal and theoretical foundations of the commitments of opposing armed groups in internal conflicts”, Iranian and International Comparative Legal Research Journal, 11th year, no.40, (2017). [In Persian]
44. May, Darwich, “The Saudi Intervention in Yemen: Struggling for Status.” International Journal of Politics, Culture, and Society, volume 17, no. 2, (2018), <http://www.jstor.org/stable/26390311>, last visited August 5, 2022.
45. Miller, Darrell A. H., “SELF-DEFENSE, DEFENSE OF OTHERS, AND THE STATE”, Law and Contemporary Problems, volume 80, Number 2, (2021), JSTOR, <http://www.jstor.org/stable/45019998>, , last visited August 5, 2022.
46. Murray, Daragh, “Human Rights Obligations of Armed Non-State Actors: An Exploration of the Practice of the UN Human Rights Council”, Academy in-Brief No. 7, Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, (2016), Available at: < https://www.geneva-academy.ch/joomlatools-files/docman-files/InBrief7_web.pdf>, Last visited July 20, 2022.
47. Murray, Daragh “How International Humanitarian Law Treaties Bind Non-State Armed Groups”, Journal of Conflict & Security Law, vol. 20, no. 1, (2015), Available at: <https://www.jstor.org/stable/26298154>. Last visited July 09, 2022.
48. O’sullivan, Dominic, “Sovereignty.” “We Are All Here to Stay”: Citizenship, Sovereignty and the UN Declaration on the Rights of Indigenous Peoples, 1st ed., JSTOR, ANU Press, (2020), <https://doi.org/10.2307/j.ctv186grnt.12>, Last Accessed on August 5, 2022.
49. Pictet, J. “Commentary on the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of Wounded, Sick and Shipwrecked Members of Armed Forces at Sea”, ICRC, (1960), Available at: <[https://www.academia.edu/80444563/The International Responsibility of Non State Armed Groups](https://www.academia.edu/80444563/The_International_Responsibility_of_Non_State_Armed_Groups)>, Last visited March 1,2022.
50. Qureshi, Waseem Ahmad, “Applicability of International Humanitarian Law to Non-State Actors”, 17 Santa Clara J. Int’l L. 1, (2019), Available at: <https://digitalcommons.law.scu.edu/scujil/vol17/iss1/2>, Last visited March 20, 2022.
51. Sandoz, Y., Swinarski, C., & Zimmermann, B., “Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949”, INTERNATIONAL COMMITTEE

OF THE RED CROSS, (2020), Available at: < <https://www.icrc.org/en/publication/0421-commentary-additional-protocols-8-june-1977-geneva-conventions-12-august-1949>

52. Sassoli, Marco, “Armed Conflict in Yemen: An Illustration of the Pertinence and Deficiencies of Existing IHL Rules”. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, no.1, vo.1, (2023).
53. Sassòli, Marco, “Taking Armed Groups Seriously: Ways to Improve their Compliance with International Humanitarian Law”, *Journal of International Humanitarian Legal Studies*, no.1, vo.1, (2010),
54. Somer, Jonathan, “Jungle justice: passing sentence on the equality of belligerents in non-international armed conflict, Selected article on international humanitarian law”, Volume 89, (2007), Available at: < <https://international-review.icrc.org/sites/default/files/irrc-867-8.pdf>>, Last visited April 15, 2022.
55. Tavakolietabasi, Ali and Mansouri, Ferengis, “Commitment and commitment of the belligerents to the rules of humanitarian law in the internal conflict in Syria”, *International Legal Journal*, Volume 32, Number 52, (Spring-Summer 2014). [In Persian]
56. Williams, Paul R. et al. “A Legal Perspective on Yemen's Attempted Transition from a Unitary to a Federal System of Government”, *Utrecht Journal of International and European Law*, volume 4, (2017), Available at: https://digitalcommons.wcl.american.edu/facsch_lawrev/613, last visited August 5, 2022.
57. Zamani, Seyed Qasem, “International Responsibility Lectures at PhD level”, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, (second semester of the academic year 2017-2018). [In Persian]
58. Zegveld, L., “Accountability of Armed Opposition Groups in International Law”, *Cambridge Studies in International and Comparative Law*, Cambridge University Press, (2002),

Documents:

59. Geneva Call, “Deed of Commitment for the Protection of Children from the Effects of Armed Conflict”, Art. 8, (2010), Available at: < https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/DoC-Protecting-children-in-armed-conflict.pdf>, Last visited July 23, 2022; and Geneva Call, “Deed of Commitment for the Prohibition of Sexual Violence in Situations of Armed Conflict and Towards the Elimination of Gender Discrimination”, Art. 7, (2012), Available at: < https://www.genevacall.org/wpcontent/uploads/dlm_uploads/2013/12/DoC-Prohibiting-sexual-violence-and-genderdiscrimination.pdf>, Last visited March 10, 2022.
60. Geneva Call, “Engaging Armed Non-State Actors in a Landmine Ban”, *The Geneva Call Progress Report 2000-2007*, Available at: < https://www.genevacall.org/wp-content/uploads/dlm_uploads/2013/12/raport.pdf>, Last visited March 20, 2022.
61. Geneva Call, “DR Congo: Child Soldiers Leave Armed Groups Following Geneva Call's Awareness-Raising Efforts”, (2017), para. 18-19, Available at: < <https://genevacall.org/dr-congo-child-soldiersleave-armed-actors-following-Geneva-calls-awareness-raising-efforts/> >, Last visited March 25, 2022.
62. ICRC, “Commentary on Common Article 3 of the Geneva Convention for the Amelioration of the Condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field”, (2016), Available at:

- <https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#863_B>, Last visited July 20, 2022.
63. ICRC new commentary on CA3, (2009), available at: <https://ihl-databases.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Comment.xsp?action=openDocument&documentId=59F6CDFA490736C1C1257F7D004BA0EC#_Toc465169878> , last visited 21 December 2021.
64. ICRC, “Improving Compliance with International Humanitarian Law: ICRC Experts Seminars”, (2003), Available at https://www.icrc.org/eng/assets/files/other/improving_compliance_with_international_report_eng_2003.pdf ,Last visited march 17,2022
65. ICRC, “relations with armed forces, A Collection of Codes of Conducts Issued by Armed Groups”, (2010), Available at: < <https://www.icrc.org/en/doc/what-we-do/building-respect-ihl/dialogue-weapon-bearers/armed-forces/overview-armed-forces.htm>>, Last visited March 10,2022.
66. Mouvement de Libération du Congo, “Statuts du Mouvement de Libération du Congo; Statute of the Liberation Movement of Congo”, Art. 11-16, (1990), Available at:< [http:// their words.org/media/transfer/doc/cd_mlc_1999_09-28d0edd1d32a444ad3205b5f82476140.pdf](http://theirwords.org/media/transfer/doc/cd_mlc_1999_09-28d0edd1d32a444ad3205b5f82476140.pdf)>, Last visited June 10, 2022.
67. Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the United Nations secretary General, (2005), Available at: <<https://www.un.org/ruleoflaw/blog/document/report-of-the-international-commission-of-inquiry-on-darfur-to-the-united-nations-secretary-general/>>, Last visited March 8, 2022.
68. Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, “Human Rights Questions: Human Rights Situations and Reports of Special Rapporteurs and Representatives. Situation of Human Rights in the Sudan”, UN Doc. A/50/569/16, (1995).
69. SPLM/A, (1998),“ Penal and Disciplinary Laws”, Section 29, First Report on SPLM/A Practice, Chapter One, Available at:< https://ihl-databases.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v2_cha_chapter1_rule1_sectionb>, Last visited June 10, 2022.
70. UK Ministry of Defense, “The Joint Service Manual of the Law of Armed Conflict”, fn 94, (2004), Available at:< https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/27874/JSP3832004Edition.pdf>, Last visited July 10, 2022.
77. UN Security Council, Security Council resolution 2216, [on cessation of violence in Yemen and the reinforcement of sanctions imposed by resolution 2104 (2014)], S/RES/2216 ,(2015), Available at: <https://www.refworld.org/docid/553deebc4.html>, Last visited July 15, 2022.